

مجموعه شکوفه‌های زیتون

۴

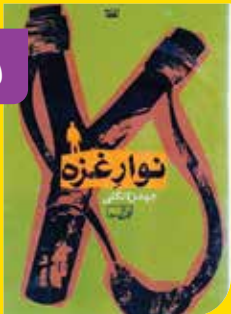


■ کارگردان:
مجتبی لطفی کرامتی
■ سال ساخت: ۱۳۹۹
■ محصول کشور: ایران

مستند «شکوفه‌های زیتون» به انعکاس واقعیت سرنوشت ۲۶ هنرمند و نخبه فرهنگی آمریکایی و اروپایی یهودی و مسیحی حامی فلسطین می‌پردازد و جانفشانی‌های شهدا و فعالان اروپایی و آمریکایی در راه آزادی فلسطین را به تصویر کشیده و به نوعی فعالیت‌های کمتر دیده شده اقشار فرهنگی و هنری غربی حامی فلسطین را برای مخاطبان معرفی خواهد کرد. این مستند محصول شبکه جهانی سحر و حاصل تلاش‌های یکساله یک تیم مستندساز جوان و خلاق است.

نوار غزه

۵



■ کارگردان:
جیمز لانگلی
■ سال ساخت: ۲۰۰۲
■ محصول کشور:
آمریکا

این مستند بلند سینمایی دردها و سختی‌های مردم نوار غزه را بیان می‌کند. مستند به داستان نوجوان ۱۳ ساله محمد حجازی می‌پردازد و از زاویه‌ی نگاه او دردهای کودکانی را که برای رفتن به مدرسه سربازان اسرائیلی جلوی آنان را می‌گیرند و با دلی شکسته به خانه باز می‌گردند روایت می‌کند. این فیلم به طور کامل شرایط بد زندگی را که اسرائیلی‌ها برای مردمان فلسطین به وجود آورده‌اند روایت می‌کند.

فلسطین کوچک

۶



■ کارگردان:
و تهیه کننده:
دیوید گونزالس
■ محصول کشور:
آمریکا

این مستند داستان تبعیدشدگان فلسطینی در شیلی را و اینکه چطور صلح و آرامش را در این گوشه از جهان جستجو می‌کنند و در آرزوی بازگشت به کشورشان هستند، روایت می‌کند. شکل مستند از این فرار است که دیوید گونزالس، به سراغ سه نسل از خانواده‌های فلسطینی رفته که به اجبار سرزمین خود را ترک کرده و حالا در کشور شیلی زندگی می‌کنند.



بلعین به دنیا می‌آیند در حالی که بزرگترهایشان برای رهایی می‌جنگند، مردان سالخورده می‌شوند در حالی که آزادی به رویایی فراموش شده تبدیل می‌شود. در سکانسی جبرئیل خردسال به عماد می‌گوید چرا سربازی را نمی‌کشد، جنگ کودکان را با خود همراه کرده است. در بلعین، جز جنگ، چیز دیگری وجود ندارد.

موفقیت‌های بین‌المللی

«پنج دوربین شکسته» یکی از پرافتخارترین و شناخته‌شده‌ترین مستندهایی است که درباره فلسطین ساخته شده است. این مستند، موفق به دریافت ۱۸ جایزه جهانی شده است و نامزدی دریافت اسکار را هم در کارنامه دارد. در میان جوایزی که نصیب سازندگان شد، جایزه امی ۲۰۱۳ و جوایز بهترین مستند و بهترین کارگردانی در بخش سینمای جهان جشنواره فیلم ساندنس، جایزه جشنواره بین‌المللی فیلم زردآلوی طلایی ایروان، جایزه جشنواره بین‌المللی فیلم پوسان و جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره فیلم‌های مستند آمستردام (ایدفا) درخشان‌تر است. این فیلم، سال ۹۳ و در هشتمین جشنواره «سینماحقیقت» هم روی پرده رفته است.

به نظر می‌رسد استقبال مخاطب غربی از «پنج دوربین شکسته» علاوه بر تازگی موضوع به دلیل پرهیز از اشاره به مواردی خاص در نمایش رابطه مردم بلعین و سربازان صهیونیست است. سازندگان فیلم، از منفی و خبیث نشان دادن سربازان صهیونیست فاصله گرفته‌اند، دوربین عماد به سربازان نزدیک نمی‌شود و اگر چه نسبت به شهرک‌سازی و تضییع حقوق شهروندان عرب انتقاد دارد، اما این گلایه را در قالبی انسانی و نه شعاری مطرح می‌کند. در سکانسی از فیلم، عماد که موقع تصویربرداری مجروح شده توسط سربازان صهیونیست به بیمارستانی در تل‌آویو که مجهز است، منتقل می‌شود. فیلمساز از نزدیک شدن به پزشکان اسرائیلی پرهیز کرده و آنها را در لانگ‌شات نشان می‌دهد، نه به دنبال ارائه سیمای تطهیرشده از آنان است، نه می‌خواهد آنها را کرپه نشان دهد. عماد روی شخصیت‌های عرب و تلاش‌شان برای انهدام دیوار تمرکز کرده و در کنار آن، ظلم و فشاری که بر مردم بلعین از سوی ارتش روا داشته می‌شود به تصویر می‌کشد. در سکانسی که درختان زیتون توسط سربازان سوزانده و باغ‌ها و زمین کشاورزی ویران شده است، می‌توان خشم و نفرت اسرائیلی‌ها از روستاییان فلسطینی را دید، یا در فصلی که سربازان شبانه برای دستگیری عماد به خانه‌اش می‌آیند.

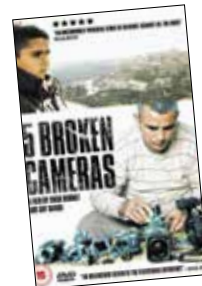
برای رقم زدن فردایی روشن برای روستاست. جبرئیل تنها فرزندی است که عماد در بسیاری از سکانس‌ها بر حضور او تاکید دارد. حتی در رخدادها به سن و موقعیت جبرئیل اشاره می‌کند. او نماد نسل آینده است، نسلی که اجازه نمی‌دهد میراث نیاکانش در هجوم شهرک‌نشینانی نبود شود. عماد، به واسطه جبرئیل تصویر همه کودکان معصوم فلسطینی را به یادمان می‌آورد که در بچوخه جنگ، فراموش شده‌اند. در سکانسی کودکان بلعین، به تقلید از بزرگترها دسته‌ای تشکیل داده و در کنار حفاظ روستا علیه اسرائیلی‌ها تظاهرات می‌کنند. دیدن کودکان که شعار می‌دهند و مقابل سربازان صهیونیست صف‌آرایی می‌کنند، اندوهبار است.

در غیبت زنان

جای زنان در «پنج دوربین شکسته» خالی است. این مستند، فیلمی مردانه است. عماد حتی به همسرش نزدیک نمی‌شود و همواره او را همراه با پسرها نشان می‌دهد. ردپایی از زنان در بلعینی که عماد برایمان تصویر می‌کند وجود ندارد، مگر در لانگ‌شات و بافاصله. در یکی از سکانس‌های شادی اهل روستا، تعدادی از زنان در کنار هم راهپیمایی و ابراز شادی می‌کنند. جز این، فیلم به زنان روستا نزدیک نمی‌شود و در دنیای مردان باقی می‌ماند. قهرمانان «پنج دوربین شکسته» مردان هستند.

جذایب‌های یک روایت دست اول

«پنج دوربین شکسته» برای درگیر کردن تماشاگر به شیوه خاصی متوسل نمی‌شود. فیلم، قصه‌گوست و موسیقی خوبی دارد. عماد و گای دیویدی (کارگردان فیلم) اصراری برای دست گذاشتن روی احساس تماشاگر ندارند. هر دو می‌دانند آنچه عماد به تصویر کشیده، آنقدر ناب و دیدنی است که وفادار بودن به آن، به امتیازی برای فیلم تبدیل می‌شود. پس، راوی و فیلمساز از نمایش خشونت یا درگیری‌ها به شکل آزاردهنده پرهیز می‌کنند. حتی از سربازان صهیونیست، تصاویر اغراق شده نمی‌بینیم. میزان خشونت و مواجهه مردم بلعین با سربازان هم، کنترل شده است. به همین دلیل «پنج دوربین شکسته» فراتر از گزارش‌های خبری عمل می‌کند و به واسطه نمایش عریان جنگ و درگیری در مناطق یهودی‌نشین و مسلمان‌نشین در رام‌الله، موفق به ارائه تصویری دست اول و کمتر دیده شده از این وضعیت می‌شود. آن وجه از واقعیت که می‌توان در «پنج دوربین شکسته» دید و تکان‌دهنده است، همنشینیتی زندگی و مرگ در یک قدمی است. کودکان در



پنج دوربین شکسته
به واسطه موضوع
تازه‌اش برای مخاطب
جذاب است. آنچه
عماد (شخصیت اصلی
و راوی فیلم) در بازه
زمانی پنج سال برای
تماشاگر روایت می‌کند،
قصه‌ای دردناک و
پرغصه از مردمی است
که در روستایی حوالی
رام‌الله زندگی می‌کنند.
مردمی که در همسایگی
شهرک‌های یهودی‌نشین
در سرزمین‌های اشغالی
روزگار را به سختی
می‌گذرانند